

سیمای زن و عشق در «دده قورقود» و «ایلیاد و ادیسه»

تاریخ وصول: ۹۰/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۲

محمدرضا برزگر خالقی*

رقیه نیساری تبریزی**

چکیده

صرف نظر از «شاهنامه» فردوسی، کتاب «دده قورقود» و «ایلیاد و ادیسه» هومر، از زیباترین و عظیم‌ترین آثار حماسی ملت‌های جهان است. در این آثار مشابهت‌ها و همسانی‌هایی وجود دارد که شاید یکی از علل مهم این همسانی‌ها، آمیختگی اساطیر ملت‌های گوناگون و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر باشد. همسانی‌های این آثار، ما را بر آن داشت که با تأملی دیگر در نوع نگرش آفریدگاران حماسه به جایگاه زن و مقایسه این موضوع در این آثار بپردازیم. در این مقاله ضمن بررسی جایگاه زنان در هر دو حماسه و بیان همسانی‌ها و ناهمسانی‌ها، به موضوع عشق و بررسی آن در این آثار نیز پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها: دده قورقود، ایلیاد، ادیسه، هومر، حماسه، زن، عشق.

*. عضو هیئت علمی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین، قزوین، ایران.

** دانش‌آموخته دکتری، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

khaleghi@ikiu.ac.ir

مقدمه

ادبیات هر قومی فرهنگ آن قوم و بیانگر طرز نگرش آنان به هستی است و در حقیقت هویت هر جامعه در ادبیات آن متجلی می‌شود. در ادبیات ملل مختلف دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به موقعیت زنان وجود دارد. در اکثر آثار ادبی، زیبایی‌ها و عشوه‌گری‌های زن مطرح شده است و به صورت‌های ساقی، مطرب، خنیاگر، معشوقه، کنیز و در کل وسیله‌ای برای رفع نیاز مردان تلقی شده است؛ در حقیقت ارزش‌های واقعی زن مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

از علت‌های مهم زن‌ستیزی در ادبیات، مردانه بودن جامعه و رواج عقاید نادرست و باورهای غلط درباره زن است. البته در میان داورهای تند و خشن نسبت به زن، سخنان مشفقانه و منصفانه‌ای نیز هست؛ آثاری که ارزش والای زن در آن بیان شده و در واقع به زن از دیدگاه انسانی نگریسته شده است.

از جمله این آثار کتاب «دده قورقود»، معروف‌ترین اثر حماسی آذربایجان است که «از میراث‌های مهم کهن و جزء آثار کلاسیک جهان و بی‌هیچ تردید از شگفتی‌های ادبیات جهان است» (کریمی، ۱۳۸۸: ۲۹۳).

این اثر حماسی از یک مقدمه و دوازده داستان تشکیل شده است، داستان‌ها به نظم و نثر نوشته شده و هر کدام درباره دل‌آوری‌ها و ماجراهای دل‌انگیز یکی از قهرمانان ساخته شده است؛ اگرچه همه داستان‌ها با یکدیگر ارتباط دارند. نثر داستان‌ها ساده و اشعار کتاب در حدود دو هزار بیت است. «این اشعار را اوزان‌ها (شعرای خلق که امروز به آنها عاشق می‌گویند) سروده و همراه ساز آنها (قوپوز) با آهنگ‌های آذری خوانده می‌شود. این داستان‌ها مانند آیین‌های تمام‌نما فرهنگ عامیانه یا فولکلور این اقوام را در طول تاریخ نشان می‌دهد. «مقدمه کتاب بعداً و به قلم گردآورنده داستان‌ها نوشته شده و نثر آن با متن داستان‌ها متفاوت است. نویسنده کتاب و تاریخ آن معلوم نیست. ظاهراً کتاب در نیمه دوم قرن ۱۵م.

تدوین شده است؛ ولی تاریخ وقایع داستان‌ها قدیم‌تر است» (هیئت، ۱۳۸۰: ۱۷۸).
از این اثر دو نسخه خطی، یکی در کتابخانه «درسدن» آلمان و دیگری در کتابخانه «واتیکان» موجود است. نسخه واتیکان، بعداً پیدا شده و ناقص است و هر دو نسخه به حروف عربی نوشته شده است (همان: ۱۷۹).

این کتاب در سال ۱۳۵۸ توسط آقای محمدعلی فرزانه و در سال ۱۳۷۸ توسط آقای حسین محمدخانی (گونیلی) به زبان اصلی منتشر شده است و در سال ۱۳۵۵ نیز توسط خانم فریبا عزب دفتری و محمد حریری اکبری، از روی ترجمه‌های انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. این کتاب به زبان‌های آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی، روسی و... نیز ترجمه و چاپ شده است.

تون دیتس در سال ۱۸۱۵م. یکی از داستان‌های این کتاب را به آلمانی منتشر ساخته و آن را با «ادیسه» هومر مقایسه کرده و گفته است که «هومر در سرودن/ادیسه از این داستان کهن که بعدها در بخشی از کتاب دده قورقود جای گرفته، بهره‌جسته یا دست کم از مضمون آن باخبر بوده است» (همان: ۱۸۰).

دده قورقود، که این کتاب به نام اوست، به عنوان یک اوزان (عاشیق) در همه داستان‌ها حضور دارد و معمولاً در آخر هر داستان وارد صحنه می‌شود و داستان را با سخنان نغز و پندآمیز خود به پایان می‌رساند.

این کتاب از لحاظ زیبایی ادبی، جلوه و شکوه صحنه‌ها، اصالت و انعکاس باورهای اسطوره‌ای آذربایجان قابل مقایسه با ماندگارترین آثار حماسی جهان از جمله «ایلیاد» و «ادیسه» هومر است.

داستان «ایلیاد» بزرگ‌ترین حماسه مغرب‌زمین است و یکی از دو نمونه نخستین حماسه‌های ادبیات یونانی و آن اثر دیگر که همتای «ایلیاد» محسوب می‌شود «ادیسه» نام دارد.

«بسیاری از محققان و دانش‌پژوهان این دو اثر را به هومر نسبت می‌دهند و می‌پندارند که او در سال ۷۶۰ پیش از میلاد یا دیرتر می‌زیسته است. جنبه‌های زبانی *ایلیاد* و *ادیسه* معلوم می‌سازد که این دو داستان حماسی دیرتر از قرن هشتم پیش از میلاد نوشته نشده اند» (روزنبرگ، ۱۳۷۹: ۸۷). موضوع کتاب «ایلیاد» جنگ میان یونانیان و تروائی‌ان است. پاریس فرزند پادشاه تروا، هلن شاهزاده زیبای یونانی را از چنگ شوهرش منلاس می‌رباید و خشم یونانیان را برمی‌انگیزد و باعث به وجود آمدن جنگ‌های ده ساله می‌شود. در نهایت یونانیان در گشودن شهر تروا و باز یافتن هلن موفق می‌شوند.

دیگر شاهکار هومر، «ادیسه» است. این کتاب داستان بازگشت *اولیس*، از پهلوانان داستان «ایلیاد»، از جنگ ترواست و تلاش برای به دست گرفتن امور حکومتی سرزمین تحت فرمانش؛ اما خدایان با بازگشت *اولیس* به سرزمین خود، موافق نیستند. در زادگاه او همسرش، *پنلوب* وفادار و پسرش *تلماک*، چشم به راه او هستند؛ اما گروهی از مردم که *اولیس* را نابودشده می‌انگارند، *پنلوب* را ناگزیر می‌کنند تا همسری برگزیند. *پنلوب* از این کار سر باز می‌زند تا این که *اولیس* برای فروکش کردن خشم خدایان، قربانی می‌کند و در پیشگاه آنها به دعا و نماز می‌ایستد و در نهایت موفق می‌شود به طور ناشناس به زادگاه خود بازگردد و از خواستگاران همسرش انتقام بگیرد.

سیمای زن در کتاب *دده قورقود*

در این کتاب زن با سیمای دلپسند و مقامی ارجمند، به عنوان نیمه انسان و هم‌تراز مرد نمایانده شده است. تمامی زنان تصویرشده در این کتاب، زیبا و دوست‌داشتنی هستند. زن با حضور خود، احساس و روح و عشق را به کالبد داستان‌ها بخشیده و به آن، آب و رنگ جذابی داده است.

و بهترین زنان از دیدگاه آفریننده این حماسه، آنانی هستند که اسباب شادی و سربلندی

همسر خود را فراهم می‌سازند. در این کتاب آمده است:

«اوزان! ستون خانه زنی است که اگر مهمانی از دشت و صحرا برسد و مرد در خانه نباشد، او را با خوردنی و نوشیدنی پذیرایی کند، عزیز بدارد، روانه سازد. خان من! کودکان وی ببالند. زنی، این چنین به کانون تو بیابد» (بهزادی، ۱۳۸۲: ۲۸).

«در این اثر، زن کانون اصلی خانواده و قبیله را تشکیل می‌دهد و مرد به عنوان رئیس خانواده و قبیله همواره با مشورت زن قادر به انجام وظیفه رهبری است» (کریمی، ۱۳۸۸: ۳۰۱).

«اگرچه داستان‌های کتاب، نشانگر دوران پدرسالاری است، اما زنان تأثیر عمده‌ای در روند تشکیل حوادث دارند» (هیئت، ۱۳۸۰: ۳۰۵). آنها فریادرس روزهای سخت و مشاوران خوبی برای همسران خود هستند و مردان با مشورت و همیاری همسران خود می‌توانند به خوبی از عهده مسؤلیت‌های خانوادگی و اجتماعی برآیند.

همچنین در این کتاب، از چند زن قهرمان و نبردها و پیروزی‌های آنها در میدان‌های رزم و رقابت سخن به میان آمده است که در کنار قهرمانان مرد برای دفاع از حریم ایل و دیار خود با مردان چابک‌سوار و جنگاور، هم‌اوردی می‌کنند.

حضور زنانی چون: چیچک، سالجان، بورلا خاتون، همسر دومرول، همسر دیرسه خان و... که هم زیبا و پاکدامن هستند و هم هم‌اورد و همتای مردان. آنها همگام با مردان «برای دفاع از حریم ایل و دیار خود، دست از جان شسته، جان فدای ملت و کشور خود می‌سازند. آنها سوارکارانی ماهر، زنانی دلیر و بی‌باکند و در تیراندازی چابک و... و در کل منزلتی ارجمند و ستایش‌آمیز و هم‌تراز با مردان دارند و به هیچ وجه بازیچه دست قدرتمندان یا ابزاری برای خدعه و نیرنگ نیستند» (همان: ۳۰۳).

نکته جالب این که از شروط انتخاب همسر در این اثر، هم‌اورد بودن دختر و پسر در اسب‌سواری، تیراندازی، شمشیرزنی، کشتی و جنگاوری است.

و بالاخره این که زن در سراسر این کتاب با پاکدامنی، عشق، وقار، شوی دوستی و با حس وطن دوستی حضور دارد. حمیت، نجابت، وفاداری، فرزند دوستی، وقار و... به آنان چهره‌ای برجسته‌تر و انسانی‌تر بخشیده است. تأمل در این نوع نگرش به زن در این کتاب و مقایسه آن با جایگاه زنان در دیگر حماسه‌های بزرگ جهان، از جمله «ایلیاد و ادیسه»، منزلت ارجمند و ستایش‌آمیز زنان را در این کتاب، بیشتر برای ما روشن می‌کند.

سیمای زن در ایلیاد و ادیسه هومر

در دو اثر حماسی هومر، تأثیر بنیادین زنان، کاملاً مشهود است و «اصولاً با نگاهی فراگیر به حماسه‌های باخترزمین آشکارا می‌بینیم که زنان در آنها تأثیر بنیادین دارند و در پس هر رویداد بزرگ حماسی، زنی را می‌توان نهفته دانست. تروا خود در پی ر بوده شدن هلن، بانوی مناس، پدید آمد. یونانیان به تروا تاختند تا او را باز پس بگیرند و در ادیسه نیز در پس واپسین و برترین رویداد داستان به زنی بازمی‌خوریم به نام پیلوب» (کزازی، ۱۳۶۷: ۸).

در بسیاری از داستان‌های «ادیسه»، چیرگی زنان در صحنه‌ها مشهود است؛ برای نمونه: کالیپسو، ادیسه را هفت سال در جزیره خود نگه می‌دارد و یا این که سیرسه جادوگری قهار و نیرومند است.

هومر هم وقتی از زنان برجسته سخن می‌گوید، برتری آنها را در مهارت‌هایی چون بافندگی مطرح می‌کند، نه در صحنه‌های رزم و پیکار. حتی «پیلوب»، که صاحب‌نظرانی چون تئودور نولدکه جایگاه والای او را قابل مقایسه با زنان حماسه‌های دیگر نمی‌داند (رک: نولدکه، ۱۳۶۹: ۱۱۵)، در غیاب همسرش جز بافتن و پوش وظیفه دیگری ندارد و بارها پسرش تلماک از او خواسته است که از دخالت در کار مردان خودداری کند و به کار دوک بپردازد (هومر، ۱۳۷۰: ۴۸۵).

اما با این همه «پهلوانان و جنگاوران هومری زنان را ارج و حرمتی ویژه می‌گذارند» (روزنبرگ، ۱۳۷۹: ۱۰۰) و زیبایی، هوش، وفاداری، برتری در امور مربوط به کاردستی (معمولاً بافندگی) را از افتخارات زن تلقی می‌کنند و «هر زن اسیری که از این کمالات برخوردار باشد، بهترین و ارجمندترین، جایزه افتخاری است که به یک پهلوان داده می‌شود و پهلوانان با رفتار و کردارشان نشان می‌دهند که از داشتن چنین زنانی، چه از نظر شخصی و چه از نظر نماد حرمت، شادمان می‌شوند» (همان)

جایگاه زنان در حماسه‌های «ایلیاد و ادیسه» و «دده قورقود»

ذکر مواردی از این حماسه‌های بزرگ نوع نگرش آفرینندگان این آثار را برای ما روشن‌تر می‌نمایاند:

در حماسه‌های هومر، زنان را با مردان کاری نیست و عالم زنان با عالم مردان بسیار متفاوت است؛ در حالی که در کتاب «دده قورقود» در کنار قهرمانان مرد، زنان قهرمان نیز برای دفاع از حریم ایل و دیار خود با مردان چابک‌سوار و جنگاور، هم‌اوردی می‌کنند.

صدقت و وفاداری زنان یا...؟

در کتاب «دده قورقود» جایگاه زن بسیار زیبا ترسیم شده است و همواره صدقت و وفای او مورد ستایش قرار گرفته است. گویی اصلاً در میان آنان فریب و نیرنگ مفهومی ندارد. در حالی که هومر در آثار خود زنان را به علت کینه‌توزی و تبهکاری، مورد طعن و ملامت قرار می‌دهد و با لحنی تلخ‌تر و گزاینده‌تر در مورد آنها صحبت می‌کند. بخش‌هایی از هر دو کتاب، خود گویای این مطلب است.

همسانی‌های حماسه‌های هومر و دده قورقود

پنلوب و بانو چیچک

هر دو این بانوان، عقیق و پاکدامن هستند و هر دو بیش از حد شیفته و بی‌قرار همسران خود. هر دو دیر زمانی در حسرت دیدار همسران خود به سر برده‌اند و منتظر بازگشت آنها هستند.

مادر تلماک (پنلوب) و مادر بوغاج

دلسوزی‌ها و مهربانی‌های پنلوب در حق پسر و وفاداری و فداکاری او نسبت به همسر، یادآور فداکاری‌ها، مهربانی‌ها و وفاداری‌های همسر دیرسه خان و مادر بوغاج در «دده قورقود» است.

در «دده قورقود» وقتی حاسدان در مورد پسر سخن چینی می‌کنند و کارهای ناشایستی را به او نسبت می‌دهند، پدر در شکارگاه زخمی جانکاه به بوغاج می‌رساند. اما مادر به محض اطلاع بر بالین پسر حاضر می‌شود و با مرهمی، زخم پسر را بهبود می‌بخشد و دور از چشم پدر به تیمار او می‌پردازد (بهزادی، ۱۳۸۱: ۳۱).

ایزدبانوان جادوگر در ایلباد و ادیسه هومر

جادو مجموعه تدابیر، اصول و قواعدی است که به وسیله آن قوای طبیعی و فوق طبیعی مسخر انسان می‌شود و در واقع جادوگر از موجودات قدرت‌بخش کسب نیرو می‌کند و در سایه پیوند با این نیروهای قدرت‌بخش است که امور غریب و خوارق عادات را انجام می‌دهد و بر طبیعت، اشیاء، حیوان و... استیلا می‌یابد و بر آنها اعمال نفوذ می‌کند (نیساری، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

در سروده‌های هومر خدایان صفات یا ویژگی‌های انسانی و کرداری چون آدمیان دارند و

همچون انسان‌ها دارای هوا، هوس، میل، شادی، غم، اندوه، رشک، حسد و امثال آن هستند؛ بدین سبب گاه نیز دست به اعمال جادویی می‌زنند.

در کتاب «ادیسه»، *ولیس* و یارانش خانه سیرسه (از ایزدبانوان) را یافتند که از سنگ زدوده‌ای در دره‌ای، در جای بازی ساخته شده بود. هنگامی که سیرسه، *اوریلوکوس* و همراهانش را به اندرون برد و بر روی کرسی‌ها و تخت‌ها نشاند، پنی و جو و انگبین را در باده *پرمنوس*، در هم آمیخت و داروهای شوم در جام ریخت، تا هرگونه یادی از سرزمین پدری را فراموش کنند و چون آن نوشیدنی را به آنها نوشاند، چوبی بر آنها زد و آنها را تبدیل به خوک کرد و در آغل خوکان زندانی کرد (هومر، ۱۳۷۰: ۲۲۵).

لازم به ذکر است که زنان «دده قورقود» هیچ کدام با صفت جادوگر توصیف و معرفی نشده‌اند.

عاشقانه‌ها

در هر دو اثر حماسی، در کنار رزم‌های دلاورانه، بزم‌های عاشقانه نیز جریان دارد. آوردن داستان‌های زیبای عاشقانه در کنار رخدادهای پر جلال و جبروت پهلوانان، جذابیت و تنوع مطلوبی به این گونه داستان‌ها بخشیده است و «نمایشگر احساسات و عواطف لطیف قهرمانان داستان است و هم گواه این معناست که زندگی، رویه‌های گوناگونی دارد و نباید ارزش‌های فردی و اجتماعی را محدود به برخی امور دانست. همان قدر که حضور در عرصه‌های پیکار و دفاع از آرمان‌های جامعه ارزشمند است و نشانه کمال و درک درست از زندگی محسوب می‌شود، عشق ورزیدن و نمایش جلوه‌های گوناگون احساسات فردی هم یادآور واقعیت‌های زندگی است. از این رو بسیاری از قهرمانان، همانگونه که در عرصه رزم وارد می‌شوند و جانفشانی می‌کنند، در محافل بزم و سرور هم چیزی کم نمی‌گذارند» (میرهاشمی، ۱۳۸۷: ۱۵).

در کتاب «دده قورقود» چندین داستان بزمی و غنایی دیده می‌شود. داستان‌های عاشقانه این کتاب، داستان‌های مستقلی به شمار نمی‌آیند؛ بلکه از ویژگی‌های داستان حماسی نیز برخوردارند و در کنار کشش واقعی، گرایش انسانی و اوج حوادث و داستان‌های حماسه نیز جریان دارد؛ ولی این عاشقانه‌ها متناسب و هماهنگ با احساسات و عوالم حماسی، داستان را پدید می‌آورند.

از میان داستان‌های عاشقانه «دده قورقود»، داستان *قانتورالی* و *سالجان*، *بیرک* و *چیچک* از جمله داستان‌هایی هستند که در بردارندهٔ حوادث متنوع‌تری هستند و سرانجام با ایجاد پیوند زناشویی قهرمانان، داستان‌ها به پایان می‌رسد.

از جمله ویژگی‌های این نوع داستان‌ها، در راه وصال به معشوق، متوسل شدن عشاق به رفتارهای شایستهٔ انسانی، چون وفاداری، راستی، پاکی، نجابت، فداکاری و تحمل دردها و رنج‌های بسیار در راه وصال است. چنان که *قانتورالی* برای وصال به معشوق خود، شرط پدر *سالجان* را، که کشتن سه حیوان وحشی در میدان مبارزه بود، می‌پذیرد؛ شرطی که قهرمانان زیادی در این راه سر به باد داده‌اند و جان باخته‌اند؛ اما *قانتورالی* وارد چنین مبارزه‌ای شده، پیروز می‌شود.

داستان عاشقانهٔ دیگر کتاب «دده قورقود»، داستان *بامسی بیرک* و *بانو چیچک* است. در آثار هومر نیز ماجرای عشق، چون دیگر حماسه‌ها جریان دارد، عشق‌های مطرح شده در این آثار نیز متناسب با عالم حماسه است و از نظر ملموس و عینی بودن آن درست همسان با رخدادهای عاشقی کتاب دده قورقود است، چنان که عشق پاک و بی‌آلایش پنلوب به همسرش اولیس، یادآور ماجرای عاشقانه ی «چیچک» و انتظار طولانی مدت او به امید دیدار همسرش «بامسی بیرک» است.

در آثار هومر، گاه خدایان و الهگان نیز گرفتار ماجرای دلپذیر عشق و عاشقی می‌شوند و هومر بارها، این موضوع را در حماسه‌های خود مطرح کرده است؛ از جمله:

عشق الهه کالیپسو به اولیس که باعث شد چندین سال این پهلوان را که خواستار بازگشت به سرزمین خود و دیدار زن و فرزندش بود، در غارهای ژرف در نزد خود نگاه دارد (هومر، ۱۳۷۰: ۱۵۴).

همینطور دمتر نیز پیرو دل خود شد و به یازیون مهر ورزید... اما به زودی زئوس به آن پی برد و تندر فروزان خود را بر او فرود آورد و وی را نابود کرد (همان).
هومر، در کتاب «ادیسه» از ماجرای عاشقانه آنتیوب دختر آزویوس با زئوس، و آفرودیت، پروردگار زیبایی با/نکیز و پوزئیدن خدای لرزاننده زمین با/نیپئه نیز سخن گفته است.

نتیجه

بررسی جایگاه زن در کتاب «دده قورقود» بزرگ‌ترین اثر حماسی آذربایجان و مقایسه و تطبیق آن با شاهکار حماسی مغرب‌زمین، یعنی «ایلیاد و ادیسه»، در واقع بررسی دیدگاه پیشینیان و نوع نگرش آنان به جایگاه زن و هویت فرهنگی و اجتماعی آنان است. در حماسه «دده قورقود» زنان منزلتی ارجمند و ستایش‌آمیز و هم‌تراز با مردان دارند. صفاتی چون پاکدامنی، وقار، شوی دوستی، حمیت، نجابت، وفاداری و نظایر آن. هومر نیز در حماسه‌های خود در برخی موارد زن را به دیدگاه ارج و حرمت نگریسته؛ اما در حقیقت سیمای زن در این آثار پریده رنگ و کم اهمیت ترسیم شده است. زیبایی‌های زنان، که هومر آن را ستوده، گاه باعث برافروختن شعله‌های جنگ چندین ساله شده، و این زنان در واقع آتش جنگ و فاجعه را برافروخته و خود تأثیری در روند حوادث جنگ ندارند. صداقت و وفاداری زنان در حماسه «دده قورقود» بی‌نظیر و ستودنی است. در آثار هومر نیز در موارد بسیار نادر فداکاری‌ها و دلسوزی‌های زنان سیمای قابل قبول به آنها بخشیده؛ اما در موارد متعدد، هومر از نابکاری‌های زنان، سخن رانده و از سر خشم گفته است: «اگر زن دفن کرده شود، بهتر از این که تزویج کرده شود».

کتابنامه

- بهزادی، بهزاد. (۱۳۸۱). **دده قورقود**، تهران: نخستین.
- پورخالقی چترودی، مهدخت و حمید طبسی. (۱۳۸۹). «**گرشاسب و هراکلس (بحثی در اسطوره شناسی تطبیقی)**»، فصلنامه ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، س ۴، ش ۱۶.
- روزنبرگ، دونا. (۱۳۷۹). **اساطیر جهان: داستان‌ها و حماسه‌ها**، ج اول، ترجمه عبدالحسین شریفیان. تهران: اساطیر.
- کریمی، محمدرضا. (۱۳۸۸). **ادبیات شفاهی آذربایجان**. تهران: تک درخت.
- _____ (۱۳۸۷). **سیمای زن در فرهنگ و ادب آذربایجان**. تهران: اندیشه نو.
- کزازی، میرجلال الدین. (۱۳۶۷). **مازهای راز**. تهران: مرکز.
- میرهاشمی، سیدمرتضی. (۱۳۸۷). **منظومه‌های کهن عاشقانه**. تهران: چشمه.
- نولدکه، تئودور. (۱۳۶۹). **حماسه ملی ایران**. ترجمه بزرگ علوی. تهران: سپهر.
- نیساری تبریزی، رقیه. (۱۳۷۳). «**فرا واقعیت در شاهنامه فردوسی و ایلید و ادیسه هومر**». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان.
- هومر. (۱۳۷۰). **ایلیداد**، ترجمه سعید نفیسی. تهران: علمی فرهنگی.
- _____ (۱۳۷۰). **ادیسه**. ترجمه سعید نفیسی. تهران: علمی فرهنگی.
- هیئت، جواد. (۱۳۸۰). **سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی**. تهران: پیکان.